IRICAP.com

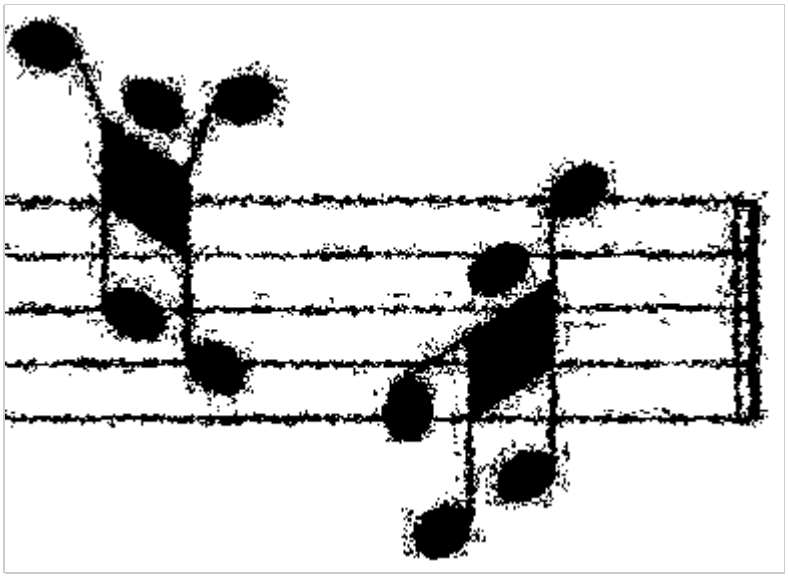

تصنیف معلم

دکتر هادی منوری

با ورود علی معلم به این عرصه، تصنیف سرایی از مهجوریت بیرون آمد و بسیاری از شعرای صاحب نام که سرودنتصنیف را کاری سخیف می‌دانستند، وارد این فضا شدند و دست به سرودن اشعاری در این حال و هوا زدند

شعر و موسیقی در فرهنگ ایران زمین دومقولهی نزدیك است که چون شیر و شکر بههم آمیختهاند. بگونهای که هر ایرانی با شعرو موسیقی به دنیا می‌آید. با لالایی‌های‌مادرش بزرگ می‌شود و در تمام شادی‌ها وغمهایش شعر و موسیقی جریان دارد. ازطرفی، اکثر بزرگان شعر در ایران، دستی‌در موسیقی نیز داشتهاند که اگر بنا را بر نامبردن آن بگذاریم »مثنوی هفتاد من کاغذ«می‌شود. قرابت شعر و موسیقی در ادبفارسی تا آنجا پیش رفته است کهامیرخسرو دهلوی چنین می‌گوید:

نظم را حاصل، عروسی دان و نغمه، زیورش

دکتر شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی‌شعر، خاستگاه طبیعی شعر را موسیقی‌می‌داند. نزدیکی شعر و موسیقی در ادبیاتمشرق زمین واقعیتی‌ست غیرقابل انکار. درحالیکه در ادبیات غرب، این آمیختگی شدتکمتری دارد.

ارتباط شعر و موسیقی از وزن و قافیهشروع می‌شود و به موسیقی بیرونی،موسیقی درونی، موسیقی کناری وموسیقی معنوی کشیده می‌شود. همهی‌اینها وسایلی هستند که به موسیقی شعرختم می‌شوند. در فرهنگ ما برخلافرهنگهای دیگر، تکیهی موسیقی بر کلاماست و موسیقی بدون کلام جایگاه چندانی‌در بین عامهی مردم ندارد. تکیه موسیقی،برکلام در موسیقی هندی و افغانی‌مشهودتر است. بگونهای که بدیهه سرایی وبدیهه خوانی در حین اجرای موسیقی ازهنرهای خوانندگان این ملتهاست.

موسیقی و شعر، دو بالاند برای پروازاحساس شنونده، که بدون هر کدام از ایندو بال، پریدن مشکل خواهد بود. و از اینکهموسیقی چه تأثیر عظیمی بر درك شعر ولذت بردن از آن دارد، سخنان فراوانی رفتهاست که در این مقال نمی‌گنجد.

تصنیف: برای تصنیف، تعریفهای متعددی‌ذکر شده است که برای رعایت ایجاز بهتعریف تصنیف از دید یحیی آرینپوربسنده می‌کنیم: تصنیف نوعی شعر لحنی‌است که دارای وزن عروضی و ایقاعی‌باشد. یعنی بر حسب ظاهر با سایر اشعارمعمولی تفاوتی نداشته و اما از جهتانتخاب وزن و ترکیب الفاظ دارای این صفتو خاصیت باشد که با الحان و مقاماتموسیقی و نغمات زیر و بم ساز و آواز،جفت و دم ساز گردد.

و اما تصنیف هم انواع دیگری دارد کهشامل: قول و غزل، ترانه، حراره، فهلوّیات،شروه، دوبیتی می‌باشد که هر کدام از اینهادارای مشخصات خاص خود بوده و درموارد مختلف کاربرد دارند. به گونهای کهدوبیتی و فهلوّیات، که یادگار شعر دورهی‌هجایی‌ست، بیشتر جنبهی محلی وفولکوریك دارد و شروه بیشتر رنگ و بوی‌مرثیه و عزاداری حضرت سیدالشهدا رادارد و حراره که جنبه سیاسی داشته و خبراز ظلم و جور می‌دهد. اگر چه تاریخچهپیدایش تصنیف به پیش از اسلامبرمی‌گردد؛ اما در دوران ساسانی تصنیفسرایی رونق زیادی یافت و شاعران وبخصوص نوازندگان از اعتبار و ارزشبسیار زیادی برخوردار شدند.

اما از آنجا که هدف ما بررسی تصنیفهای‌امروزی‌ست به دوران معاصر برمی‌گردیمو با میرزاعلی اکبر شیدا که یکی از تصنیفسرایان مشهور است می‌رسیم. کسی که ناماصلیش علی اکبر بیات شیرازی و متولد1222 است. او در خانقاه درویشان صفی‌علی‌شاه راهی داشت؛ تصنیف را از ابتذالنجات داد و نام خود را در زمره اولینتصنیف سرایان معاصر ثبت کرد. از اوتصنیفهای »اگر مستم من از عشق تومستم«]دستگاه ماهور[. »دوش، دوش،دوش که آن مه لقا، دلبر ما، با وفا، با صفا«]افشاری[را می‌توان نام برد.

پس از او عارف قزوینی متولد 1269خورشیدی که صدای خوبی داشت باعثرونق تصنیفهای سیاسی شد بگونهای کهدر اعتراض به حکومت قاجار این تصنیفزیبا را سرود و با صدای خود، آنرا دردستگاه بیات ترك اجرا کرد.

»رحم ای خدای دادگر کردی نکردی

ابقا به اعقاب قجر کردی، نکردی«
پس از عارف به محمدعلی امیرجاهد کهسرایندهی بیشتر تصنیفهای قمرالملوکوزیری بود می‌توان اشاره کرد. و اماملکالشعرای بهار را نیز می‌توان در زمرهی‌تصنیفسرایان معاصر جای داد که »مرغسحر« و »ز من نگارم« از کارهای اوست. دربررسی اجمالی پیرامون موضوعیتتصنیفها تا قبل از انقلاب می‌توان به اینتیجه کلی رسید که:
این قالب بیشتر در مرز ابتذال و اعتدال قدممی‌زده است به گونهای که در تصنیفهای‌قدیمی از کلمات سخیف و رکیك گرفته تامفاهیم سطحی و بی‌محتوا قابل مشاهدهبوده و به عنوان مثال به تصنیف »لی‌لی رابردند....« می‌توان اشاره کرد. اما با ورودمیرزاعلی اکبر شیدا، کم کم کلمات زشت ورکیك از تصنیفها خارج شد، اما محتوایآنان همچنان سطحی باقی ماند به گونهای‌که حرف آخر اکثر تصنیفهای آن دوره اینبود که: »عزیزم دوستت دارم.«؛ »کجایی کهدارم از تنهایی مشروب می‌خورم« و یاتصنیف رنگ موی و کمر باریك و... در کاربود.)در این میان تصنیفهایی که با اشعارحافظ و مولانا و سعدی و یا حتی شاعراناستخواندار دیگر اجرا می‌شد، خالی ازلطف نبود. اگر چه تعداد آنان خیلی کم بود.(
این سطحی نگری و ابتذال باعث شده بود کهبسیاری از شاعران توانمند وارد مقولهی‌تصنیفسرایی نشوند و حتی ورود به اینعرصه را کسرشأن خود می‌دانستند. بعد ازپیروزی انقلاب اسلامی با تعطیلی کابارهاو رقاص خانهها بازار تصنیفسرایی وتصنیفخوانی رو به افول گذاشت وسرودهای انقلابی رواج یافت به گونهای کهدر سالهای اول انقلاب، حتی بسیاری ازسرودها بدون آلات و ادوات موسیقی اجرامی‌شد. اما پس از مدتی سازهای سنتی‌چون: دوتار و نی و تنبك، وارد صحنهتصنیف خوانی شد. در این مقطع زمانی،بیشتر، اشعار حافظ و مولانا و سعدی بهصورت تصنیفهای غیر ریتمیك و درقالبهای کلاسیك اجرا می‌شد.
اما در سالهای اخیر با رواج موسیقی پاپ،تصنیف خوانی و ترانه سرایی دوباره رونقگرفت ولی اینبار از کلمات سبك و محتوایعاشقانهی کوچه بازاری، کمتر نشانی درتصنیفها یافت می‌شد. چرا که خوانندگانی‌پا به عرصهی خود نمایی گذاشته بودند کهبا توجه به شرایط اجتماعی جامعه، بیشتربه گل و بلبل و بهار و طبیعت تمایل نشانمی‌دادند، تا عاشقانههای پیش پا افتاده وکلمات لوس عاشقانه...
استاد علی معلم دامغانی که بیشتر بهسرودن مثنوی شهرت دارد، در سالهای‌اخیر با توجه به مسئولیتی که در گروهموسیقی صدا و سیمای جمهوری اسلامی‌ایران دارد، وارد مقولهی تصنیف سرایی‌شد. وی که در ابتدای کار تصنیف سرایی ازذکر نام خود در تصنیفها خودداری‌می‌کرد، امروزه یکی از تصنیفسرایانصاحب نام ایران است. با ورود علی معلم بهاین عرصه، تصنیف سرایی از مهجوریتبیرون آمد و بسیاری از شعرای صاحب نامکه سرودن تصنیف را کاری سخیفمی‌دانستند، وارد این فضا شدند و دست بهسرودن اشعاری در این حال و هوا زدند. واما علی معلم که در غزلیات و مثنویهای خوددارای زبانی فخیم می‌باشد، و با استفاده ازکلمات دور از دسترس فهم شعرش را برای‌خیلی‌ها مشکل می‌کند؛ به گونهای که گاهی‌اوقات برای درك بعضی از اشعار او باید ازقرص دایجتیو(1) و فرهنگ لغت استفادهکرد.
علی معلم وقتی به تصنیف سرایی‌می‌پردازد، دیگر نمی‌گوید:
»اثقال، ثقال را بجنبانند اوتاد جبال رابجنبانند« بلکه با زبانی کاملاً ملایم و همهکس فهم می‌گوید:
»تو عروسیت نبودم، نمی‌دونم چی بود چیابود × می‌گن و دروغ می‌گن که سه روز کیابیا بود«
این تصنیف اگر چه در قالب غزل سرودهشده است، اما با غزلهای قدیمی علی معلم ازهمه نظر متفاوت است. غزلهایی که پر بودهاست از)می، ساقی، حریف و کلماتی از ایندست« که اگر اسم شاعر، را از روی بعضی‌از آنها برداریم بجای غزلهای قرن ششم وهفتم می‌توان آنها را جا انداخت. این تفاوتفضا نه تنها در ساختار زبانی، بلکه درساختار محتوایی نیز قابل مشاهده است؛چرا که علی معلم در تصنیف سرایی آنقدرملایم و زلال می‌شود که تصور این همهنرمی از استخوانهای محکم مردی که کلماتاشعارش به زمختی کوه در بیت بیتمثنویهای متفکرانه و پر محتوایشخودنمایی می‌کرده است، مشکل به نظرمی‌رسد.
»صرعی نه چون تو هم صرعی نمود ناکپتیارهایست در بن این غار دودناك.«
حالا این استخوان مرد شاعر، موقع تصنیفسرایی آنقدر لطیف و راحتالحلقوممی‌شود که می‌توان گفت:
»حالا اون پری شکسته، پشت پنجره نشستهمثل مهتاب شده موهاش، که به رنگ شبسیا بود«
و اما این پهلوان سرسخت کوچههای‌شاعری، مدتی‌ست کلماتش را در حنجرهی‌محمد اصفهانی و دیگر خوانندگان می‌تکاند،تا مردم کوچه و بازار هم از اشعارش لذتببرند. این پهلوان که پس از پیاده شدن ازاسب تنومند کلمات ثقیل و بالا بلند به کوچهباغهای نیشابور رسیده است تا فلسفهی‌خیام را در جام عطار بریزد و گرز و زوبینرستم را در موزهی فردوسی به نمایشبگذارد.

»اسطورهها«
علی معلم آنقدر به اسطورهها علاقمند استکه آنها را از غزل و مثنوی به تصنیفکشیده است.
»شب دنپاس، شب شبهاس، شب دپوهرخش و رستم توی چاهن، روی ایوون نقشگیوه«
پر قفنوس بیارین، توتیای چشم کاووسبیارین
ما که نوشدارو نخواستیم از شماها، شبهفانوس بیارین
و یا
»ارابهی خورشید را ای مهر، تزئین کناسبان سرخ مرتع هورخش را زین کن«

»آشنایی با دستگاههای موسیقی«
علی معلم، آنقدر به وزن و قافیه علاقمنداست که روزگاری و شاید به شوخی خروجاز وزن را، خروج از دین می‌دانسته است.چرا که تأثیر افسونی وزن و آهنگ در شعررا به خوبی درك کرده است. معلم علاوه برویژگیهای عروضی و اوزان متعارف و غیرمتعارف شعری، با دستگاهها و مقامهای‌موسیقایی آشنایی کامل دارد و این آشنایی‌باعث شده است قبل از سرودن تصنیف بهنوع آهنگ سازی بیاندیشد و شعر رابراساس دستگاه موسیقی مورد نظربسراید که این کمك بزرگی به آهنگ ساز وخواننده می‌کند چرا که در بسیاری از مواقعآهنگ ساز نمی‌تواند شرایط دستگاهی‌آهنگش را با شعر تطبیق کند و یا خوانندهمجبور شود کلمات را مثله کند. به گونهای‌که در بعضی از تصنیفها به درستی‌نمی‌توان کلماتی را که از دهان خوانندهبیرون می‌آید کاملاً درك کرد. یعنی خوانندهکلمات را فدای آهنگ می‌کند و بدینوسیلهمفهوم را از تصنیف می‌گیرد.
معلم با آگاهی از ظرافتهای علم موسیقی ازکلمات، به درستی استفاده می‌کند و در فرازو فرودها از کلماتی استفاده می‌کند کهبتوانند نقش خود را در اوج و فرود بهدرستی اجرا کنند. بنابراین مفاهیمی را کهدر تصنیفهای گنجانده، بی‌ارتباط با نوعدستگاه موسیقی و نحوهی اجرای آننیست. چرا که این آگاهی می‌تواند به تأثیر وجذابیت بیشتر تصنیف کمك کند.
بهعقیدهی بسیاری از صاحب نظران، یکی ازدلایل محبوبیت خوانندگان تصنیفهای علی‌معلم، اشعار پرمحتوا و نغز استاد است. کهبا هوشمندی خاصی سروده شده است.

»تصنیفهای سفارشی«
یکی از ضعفهای تصنیفسرایی‌سفارشی، عنوان بعضی از آنهاست.بخصوص در کشور ما که مناسبتهای‌بسیاری دارد. از هفتهی فضای سبز گرفتهتا کمك به ایتام و مستمندان و روز ترکسیگار و هوای پاستوریزه و....و همهمی‌خواهند بر این مناسبتها شعری بگویند وآوازی بخوانند. و از آنجا که به قول مولوی»ای بی‌خبر از ساختن و سوختنی / »شعر«آمدنی بود، نه آموختنی«
شعرهای این تصنیفها، کلاً از حس و حالجوششی بودن خارج و به ورطه کوششی‌بودن گرفتار می‌شود. در نتیجه اوضاع اینمی‌شود که می‌بینید. استاد هم در کوزهمی‌افتد و می‌گوید:
»کارت سبز بی‌کس و کیش
مثل برگ سبز درویش
هم نوای بی‌نوا بود
هم خداشون بود و هم خویش«

به یقین بررسی جایگاه و نقش استاد معلمدر شکلگیری مدار تصنیفسرایی معاصرمجالی فراختر و کنکاشی عمیقتر وگستردهتر را می‌طلبد که امیدواریم در آیندهبتوانیم به تنها عناوینی که در این سطور بهآنها اشاره شد پرداختی مفصلتر داشتهباشیم

.....(Anotates).....
1) قرصی که برای هضم از آن استفاده می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی